۵ منطقه قرمز پایتخت

آسیه اسحاقی، عضو هیئت علمی مرکز مطالعات راه، مسکن و شهرسازی معتقد است که آب‌های حاصل از سدهای طالقان، کرج، ماملو، لتیان و لار به هیچ وجه پاسخ‌گوی نیازهای جمعیت تهران نیست و علاوه بر مناطقی مانند ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مناطق ۱۰ و ۱۲ هم اصلا امکان افزایش جمعیت و بارگذاری بیشتر جمعیتی را به‌هیچ‌وجه ندارند.

سرعت بالای رشد و گسترش شهری به همراه رشد روزافزون جمعیت و مدیریت ناکارآمد، پیامدهای متعدد محیط‌زیستی مانند آلودگی هوا، کاهش کیفیت آب، تخریب پوشش گیاهی و تهدیدهای جدی برای تاب‌آوری و سلامت کلان‌شهرهای بزرگ را به همراه دارد که به‌مرور زیست شهری را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو می‌کند و در نهایت امکان بارگذاری و زیست جدید را برای شهر از بین می‌برد. هرچند زیست‌پذیری در یک جامعه به‌طورکلی به سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود و اصطلاح زیست‌پذیری به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه اشاره می‌کند. یک جامعه غیر زیست‌پذیر به نیازهای افراد آن جامعه بی‌اعتناست و به خواسته‌های آنها احترام نمی‌گذارد. این در حالی است که کارشناسان محیط‌زیست و مدیریت شهری بارها هشدار داده‌اند که ظرفیت زیستی در پایتختِ ایران رو به پایان است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید. علاوه بر این به‌دلیل استفاده بیش از حد از منابع آب‌های زیرزمینی در کلان‌شهر تهران، بسیاری از مناطق با بحران فرونشست زمین مواجه هستند که از آن به‌عنوان زلزله خاموش یاد می‌شود. حال سؤال اینجاست که شهری که از ظرفیت‌های زیست‌محیطی خود عبور کرده و کیفیت زیستن در آن رو به افول است، چگونه می‌تواند این بحران‌ها را مدیریت کند و آیا ظرفیتی برای بارگذاری جمعیت در مناطق تهران وجود دارد که این کلان‌شهر را به عنوان کلان‌شهر الگو برای سایر کشورهای جهان اسلام تبدیل کند؟

علی بیت‌اللهی، استاد دانشگاه و رئیس بخش زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی که مطالعات متعددی را در زمینه فرونشست زمین به‌ویژه در تهران انجام داده، معتقد است که توزیع آب شرب با تانکرهای مختلف که اخیرا در پی وقوع سیل در رود چالوس یا کرج رخ داده، ظرفیت زیستی در محدوده کلان‌شهر تهران را به‌خوبی نشان داده است. او با بیان اینکه پدیده توزیع آب شرب توسط تانکرهای مختلف در برخی مناطق تهران صرف‌نظر از دلایل کار، هشدار بسیار جدی درخصوص جمعیت‌پذیری شهر تهران است، به «شرق» می‌گوید: صرف‌نظر از اینکه زمین و اراضی و امکان توسعه فیزیکی و کالبدی شهر چگونه است، یکسری پتانسیل‌ها و استعدادهایی در شهر وجود دارد که باید در مدیریت توسعه‌ای مد نظر قرار بگیرد زیرا چنین به نظر می‌آید که علاوه بر مسئله آلودگی هوا، انباشت ترافیک و المان‌های آلاینده، موضوع اولویت‌دار بعدی برای زیست یک انسان، آب است.

آبِ تهران پاسخ‌گوی جمعیت فعلی هم نیست!

این محقق دانشگاه با تأکید بر اینکه ارزیابی کلی از منابع آبی سطحی و زیرسطحی در کلان‌شهر تهران نشان می‌دهد که اصولا تهران پاسخ‌گوی همین جمعیت از نظر تأمین آب شرب مورد نیاز جمعیت نیز نخواهد بود، می‌گوید آب موردنیاز صنایع، تأسیسات و مجموعه‌های کشاورزی نیز در این کلان‌شهر بسیار قابل ملاحظه است. ازاین‌رو در این زمینه منابع سطحی و آب‌های حاصل از سدهای طالقان، کرج، ماملو، لتیان و لار به هیچ وجه پاسخ‌گوی نیازهای جمعیت تهران نیست. دلیلش هم این است که در همین شرایط گاه تا بیش از ۵۰ درصد آب شرب تهران از طریق آب‌های زیرزمینی با حفر چاه‌های آب در مجموعه شهری تهران و اطراف آن تأمین شده است.

بیت‌اللهی افت کیفیت آب در تهران را یکی از اتفاقاتی می‌داند که به‌دلیل استفاده بیش از حد از آب‌های زیرسطحی رخ داده است و می‌گوید: حفر چاه‌های متعدد آب منجر به افت کیفیت آب شده است به‌طوری که خود من در یک اندازه‌گیری با توالی حدود ۲۵ساله شاهد کاهش کیفیت آب به میزان ۱۰ برابری آن بودم یعنی مقاومت الکتریکی آب ۱۰ برابر کم شده است به این معنی که افزایش ۱۰ برابری EC آب (EC که اختصار عبارت Electrical Conductivity به معنای میزان هدایت الکتریکی آب است) را نشان می‌دهد که معرفی املاح است. این پرسپکتیوی از تأمین آب در تهران است. با توجه به اینکه دشت تهران در اراضی پایین‌دست به سطح آب زیرزمینی نزدیک‌تر می‌شود. در واقع کمربند حفر چاه‌های آب هم از سمت مسیر میانی تهران یعنی حوالی بلوار کشاورز به پایین است که باعث کاهش سطح آب زیرزمینی و فرونشست زمین می‌شود.

این زلزله‌شناس با تأکید بر اینکه اقداماتی که در شرایط فعلی تهران منجر به مهاجرت به این کلان‌شهر شود، امری اشتباه و مغایر با توسعه پایدار ملی کشور است، ادامه می‌دهد: در توسعه پایدار ملی کشور، توقع بر این است که در کلان‌شهرها مهاجرت معکوس صورت بگیرد. در غیر این‌صورت اگر پنج میلیون واحد مسکونی هم در تهران ساخته شود، بازهم مشکل مسکن وجود خواهد داشت زیرا جاذبه‌های تهران، مشاغل و کسب درآمد و مواردی از این دست منجر به مهاجرت خواهد شد و این مهاجرت بار سنگینی بر آلودگی هوا، کیفیت آب و نیازهای زیرساختی در پایتخت خواهد گذاشت. آن‌موقع است که می‌گوییم در تناقض با توسعه پایدار کلان‌شهرها و کشور است. ضمن اینکه این امر نه‌تنها در تهران بلکه در مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز و برخی مراکز استانی به‌صورت عارضه خود را نشان می‌دهد و در نهایت افت سطح آب‌های زیرزمینی به‌دلیل انباشت نیاز آبی منجر به فرونشست زمین می‌شود.

۵ منطقه تهران امکان بارگذاری بیشتر جمعیت را ندارند

بیت‌اللهی با این هشدار که برخی مناطق تهران امکان بارگذاری جمعیتی بیش از حد را ندارند، می‌گوید: با ترسیمی که از موقعیت مکانی برای تهران قائل هستیم و با توجه به فشار آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین که مناطق جنوبی تهران را نشانه رفته است، علاوه بر مناطقی مانند ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مناطق ۱۰ و ۱۲ هم اصلا امکان افزایش جمعیت و بارگذاری بیشتر جمعیتی را به‌هیچ‌وجه ندارند و توقع بر این است که اقداماتی انجام شود که مهاجرت در تهران منفی شود و از بار جمعیت کاسته شود.

او ادامه می‌دهد: گاه آدم می‌شنود که قرار است جمعیت در شهرهای اقماری تهران شکل بگیرد درصورتی‌که باید به‌صورت عریان، شفاف و آشکار تبعات آن منعکس شود و اگر به همین موضوع تأمین آب مورد نیاز به‌صورت غیرتخصصی هم نگاه شود، می‌بینیم که چه مشکلاتی وجود دارد و روند افت کیفیت آب کاملا گویاست. البته شاید بدون توجه به پارامترهای مبنایی و بنیادی در توسعه اصولی شهری، یک مسئول ریسک کند و این کار را انجام دهد اما باید متوجه مشکلات پنج سال، سه سال و دو سال آینده هم باشد. چیزی که اکنون داریم مشاهده می‌کنیم، نتایج کارهای قبلی ماست.

بیت‌اللهی همچنین تأکید می‌کند که موضوع فرونشست زمین، ساخت‌وساز روی گسل‌ها، خطرپذیری و موضوع مخاطرات مختلفی از جمله آلودگی‌های هوا و آب شرب که شهر تهران را احاطه کرده است، واقعیت انکارناپذیر است که این جمعیت‌پذیری حتی بسیار بیشتر از سقف تحمل تهران است و بیشتر از آن به‌هیچ‌وجه جایز نیست و باید دراین‌باره فکر شود.

ریشه‌یابی مسائلی که منجر به مهاجرت می‌شود نشان داده که علت مهاجرت در استان‌هایی مانند خوزستان و شهرهای کوچک و روستاهای مختلف که متأسفانه جمعیت روستایی در کشور به زیر ۲۰ درصد رسیده است، «اشتغال» است. علی بیت‌اللهی با بیان این مطلب می‌گوید: اگر می‌خواهیم این روند معکوس شود، ضرورت دارد که ریشه اصلی مسئله که کسب درآمد و اشتغال است در اقصا نقاط کشور به‌درستی توزیع شود. کلان‌شهرها جاذبه‌ها و امکاناتی دارند که فی‌نفسه برای افرادی که دنبال درآمد هستند، ظرفیت مثبتی تلقی می‌شود اما وقتی همان جمعیت با مشکلاتی مانند سکونتگاه‌های غیررسمی، شهرهای اقماری، مراکز جمعیتی غیرقانونی و غیرمصوب که در فرحزاد، دارآباد و گلابدره نیز مشاهده شد، مواجه می‌شود با هیچ اقدام فیزیکی نمی‌توان مشکلات را حل کرد؛ بنابراین بهترین راهکار این است که ریشه‌یابی پدیده مهاجرت به کلان‌شهرها را که اشتغال و درآمدزایی است، حل کنیم و مسیر باید به سمت خود و سرزمین‌های مردم در استان‌های مختلف هدایت شود.

او همچنین در هشدار به متولیان شهر تهران درباره افزایش بارگذاری‌ها می‌گوید: در روند افزایش جمعیت در تهران اگر هر اقدامی که داریم انجام می‌دهیم، منجر به جمعیت‌پذیری بیشتر شود، مانند احداث ساختمان‌های مسکونی باید توجه کنیم که همین امر خود به خود منجر به مهاجرت، تشدید مهاجرت و افزایش جمعیت خواهد شد و این امر مستلزم توجه به نیازهایی است که در آینده باید پاسخ‌گوی آن باشیم. بنابراین راهکار این است که در این مسئله بیشتر، بافت‌های فرسوده را برای جمعیت فعلی مد نظر قرار بدهیم و سعی کنیم درخصوص آسیب‌پذیری تهران تلاش کنیم و تمهیداتی بیندیشیم که مهاجرت منفی شود. مهاجرت در شهرهای بزرگ بعد از چند سال از نظر ترافیک، آلودگی هوا و منابع آب و... بحران عمیقی خواهد بود که دیگر غیرقابل کنترل خواهد شد و شاید این مسئولان نتوانند جواب‌گوی مشکلات باشند.

تهران لبریز شد

نورا حسینی: قرار است سالی ۱۸۰ هزار واحد مسکونی در تهران ساخته شود. این بخشی از تعهد دولت به مردم در راستای ساخت چهار میلیون مسکن است که شهرداری تهران مسئولیت آن را برعهده گرفته؛ عددی که باعث شده هر زمین خالی در تهران در حدود ساخت‌وساز قرار گیرد. مدیران شهری می‌گویند قرار نیست این ساخت‌وسازها منجر به جمعیت‌پذیری تازه‌ای شود. این خانه‌ها برای ساکنان بی‌خانه تهرانی است. به گفته مدیران شهری مقصد اصلی خانه‌سازی در تهران بافت فرسوده و نوکردن تهران کلنگی است.

عبور ۹ منطقه از سقف جمعیت قانونی

این در حالی است که مراکز پژوهشی و مطالعاتی کشور در تحقیقاتی اعلام کرده‌اند که بخش زیادی از مناطق تهران از سقف جمعیت‌پذیری خود عبور کرده‌اند. براساس مطالعات انجام‌شده در مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۷ بیش از ظرفیت تعیین‌شده در طرح‌های بالادستی جمعیت ساکن است.

شور ساخت‌وساز در تهران در حالی است که مراکز تحقیقاتی تهران اعلام کرده‌اند، ظرفیت بُرد شهری تهران در بسیاری از مناطق بحرانی است. (ظرفیت بُرد شهری به تعداد جمعیت یا سطحی از فعالیت انسانی شامل ماده و انرژی و تغییرات کاربری اراضی توسعه فیزیکی دلالت دارد که می‌تواند در یک منطقه به طور پایدار حمایت شود. ظرفیت برد را حداکثر فشاری که محیط زیست با اطمینان کامل می‌تواند متحمل شود، تعریف کرده‌اند. به طوری که این فشار می‌تواند ناشی از جمعیت یا سرانه مصرف مواد و انرژی و تولید پسماند آنها باشد).

براساس پژوهش مرکز مطالعات مجلس، شهر تهران به‌عنوان پایتخت و بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران با حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت و قرارگیری صنایع خدمات و مراکز متعدد اداری و اقتصادی از نظر محیط‌زیستی متحمل فشارهای زیادی شده که بدون شناخت نسبت فشار به ظرفیت محیط‌زیستی شهر عملا عبور از خط قرمزهای محیط‌زیستی در شهر اجتناب‌ناپذیر است.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در یک پژوهش مدل عدد فشار ظرفیت بُرد شهری را که برای اولین بار در سال ۸۷ تدوین و به جامعه علمی معرفی شده، توسعه داده و برای سال ۹۹ در مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران اجرا کرده است.

در این تحقیق با انتخاب ۳۵ شاخص مؤثر محیط‌زیستی وضعیت فشار وارد بر مناطق بیست‌ودوگانه تهران مورد سنجش قرار گرفته و در این مدل امکان بررسی و تعیین و پایش مقادیر مطلوب تا آستانه بحرانی مؤلفه‌های فشار محیط‌زیستی شامل شاخص‌های محیط طبیعی و بلایای طبیعی و میزان مصرف ماده و انرژی (سوخت و ساز شهری) تولید پسماند و آلاینده‌های هوا در محیط شهری به طور مکان‌مند و در قالب ارائه یک نمایه کمّی به نام عدد فشار فراهم شده است. براساس این روش حداکثر میزان عدد فشار کلی عدد بحرانی مجموع همه شاخص‌ها برابر ۵۰۰ و حداقل آن (حد مطلوب) برابر ۱۰ است و براساس پژوهش انجام‌شده در مرکز مطالعات شهرداری تهران در این زمینه هیچ‌کدام از مناطق بیست‌ودوگانه عدد فشار مطلوب نیستند و خیلی کم یا حتی متوسط (میزان عدد فشار برابر با ۱۰ تا ۲۰۰) نیستند.

ظرفیت زیست‌پذیری این مناطق تمام شد

منطقه یک با عدد فشار ۳۶۳ بیشترین فشار کلی و منطقه ۲۲ با عدد ۲۴۷ کمترین فشار کلی را به خود اختصاص داده است.

در این گزارش آمده که فشار محیط‌زیستی در تمام مناطق به جز چهار منطقه ۵، ۹، ۲۱ و ۲۲ خیلی زیاد و بحرانی است و باید اقداماتی در راستای کاهش فشار مؤلفه‌های جمعیت صورت داد.

عدد فشار مؤلفه ترافیکی در گزارش مرکز مطالعات شهرداری تهران نیز سنجیده شده بود که براساس آن گزارش مناطق ۱، ۲، ۷ و ۲۱ دارای فشار زیاد، مناطق ۳ و ۱۲ دارای فشار خیلی زیاد و منطقه ۶ دارای فشار بحرانی هستند.

عدد فشار مؤلفه آب هم در این گزارش سنجیده شده و می‌توان گفت که تمام مناطق شهر تهران فشار زیادی در این حوزه بر محیط زیست وارد می‌کنند.

براساس‌این مناطق ۵ و ۲۲ دارای فشار زیاد، مناطق ۹، ۱۰، ۱۸ و ۲۱ دارای فشار خیلی زیاد و مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ دارای فشار بحرانی بر محیط زیست کلان‌شهر تهران هستند.

تهیه‌کنندگان این گزارش در نهایت نتیجه گرفته‌اند که «عدد فشار کلی همه مناطق شمالی، شرقی و جنوبی کلان‌شهر تهران (به جز مناطق ۲، ۵، ۲۱ و ۲۲) در سال ۹۹ معادل با فشار خیلی زیاد و ظرفیت برد آستانه است».

ناصر امانی اولین عضو شورای شهر تهران بود که در تذکری به شهرداری درباره خیز شهرداری برای ساخت‌وساز تذکر داد. او با اشاره به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید: به نظر می‌رسد به داده‌های این مطالعات در طرح‌های توسعه شهر تهران توجه چندانی نمی‌شود، نمود این موضوع را می‌توان در پروژه ساخت مسکن در شهر تهران که بخشی از آن را شهرداری تهران بر عهده گرفته است، مشاهده کرد، شهرداری تهران ساخت‌وساز را در مناطقی هدف قرار داده که براساس پژوهش‌های مجموعه مطالعاتی خود این نهاد، ظرفیت برد زیست‌محیطی آنها توان بارگذاری بیشتری را ندارد.

امانی ادامه می‌دهد: مرکز مطالعات ۳۵ شاخص زیست‌محیطی را احصا کرده و وضعیت مناطق را منطبق با این شاخص‌ها بررسی کرده که جالب است بدانید منطقه یک با عدد بیش از ۳۶۰ دارای بیشترین فشار زیست‌محیطی و منطقه ۲۲ با عدد ۲۴۷ کمترین فشار را تحمل می‌کند و این گزارش نشان می‌دهد که کل مناطق بیست‌ودوگانه تهران دیگر توانایی پذیرایی جمعیت و توسعه تراکم را ندارد و فقط در مناطق ۵، ۲ و ۲۱ ممکن است آسیب‌های کمتری را شاهد باشیم که ما به‌عنوان نماینده مردم وظیفه داریم این هشدار را بدهیم.

تهران تاب بارگذاری جدید را ندارد

پیش از این سعید ایزدی، معاون اسبق وزارت راه و شهرسازی هم درباره موج ساخت‌وسازها در تهران گفته بود: شهر تهران نه ظرفیتی برای توسعه دارد و نه تاب تحمل هرگونه بارگذاری جدید را دارد. شهر تهران را بحران‌هایی مثل فرونشست و زلزله هم تهدید می‌کند. تهران به‌هیچ‌عنوان امکان بارگذاری جدید ندارد و باید در وضع موجود ساماندهی شود. این موضوع را علاوه بر طرح جامع، طرح‌های دیگری که حتی مدیریت شهری تهیه کرده است، تأیید کردند؛ اما متأسفانه هنوز اصرار بر بارگذاری وجود دارد.

پاسخ شهرداری به منتقدان

شهردار تهران اعتقادی به نتایج این پژوهش‌ها ندارد. علیرضا زاکانی در دومین نشست خبری خود به رسانه‌ها می‌گوید: موضوعات شهر تهران یک‌بعدی نیست و نمی‌توان با یک راه‌حل از آنها عبور کرد. ساخت‌وساز و توسعه تهران مبتنی بر الگوهایی صورت می‌گیرد که همه سرانه‌ها را درون خود داشته باشد تا دغدغه‌های مردم را از میان ببرد. بی‌تردید یکی از اشکالات گذشته تهران توسعه آن بدون نقشه راه قبلی است. مانند آنچه در منطقه ۲۲ اتفاق افتاده که از سرانه‌های هفت‌گانه فقط فضای سبز شرایط مناسبی دارد.

حمیدرضا صارمی، معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران هم درباره جمعیت‌پذیری تهران می‌گوید: اینکه گاهی گفته می‌شود جمعیت‌پذیری تهران نباید افزایش پیدا کند، درست نیست. با اینکه برخی مناطق شهر کمتر از ظرفیت‌شان جمعیت در خود جا داده‌اند؛ اما در برخی مناطق مثل منطقه ۳ این جمعیت‌پذیری بیشتر از ظرفیت است. براساس طرح جامع و تفصیلی، تعدادی از مناطق تهران، کمتر از ظرفیت‌شان جمعیت در خود جا داده‌اند که بیشتر، مناطق جنوبی تهران را شامل می‌شود و این مناطق هنوز هم برای جمعیت‌پذیری ظرفیت دارند؛ بنابراین در برنامه ساخت مسکن در قالب قرارگاه جهادی مسکن، بیشترین هدف‌مان در این مناطق متمرکز خواهد بود.

او با اعلام اینکه سالانه ۲۲۵ هزار نفر به استان تهران مهاجرت می‌کنند، می‌گوید: حدود ۴۰ هزار نفر از این جمعیت (بیش از ۹۰ هزار نفر) فقط به شهر تهران می‌آیند؛ بنابراین ما امسال در حوزه دریافت عوارض در مناطقی که جمعیت‌پذیری کمی دارند، عوارض ساخت را افزایش ندادیم و با این کار در بحث عدالت فضایی، کمک کردیم که در این قسمت‌ها جمعیت‌پذیری افزایش پیدا کند؛ البته جمعیت‌پذیری به معنای تغییرات جمعیتی درون شهر تهران است.

معاون شهردار تهران در ادامه با اشاره به نقدهایی که برخی منتقدان درباره تراکم‌فروشی به مدیریت شهری وارد می‌کنند، می‌گوید: این نقدها علمی نیست و چنین صحبت‌هایی آدرس غلط برای ناراضی‌تراشی است. ابتدا باید تعریفی از تراکم‌فروشی داشته باشیم؛ بنابراین باید بگوییم که آیا مثلا اگر به مالکی که در وضعیت کنونی تهران، سه طبقه خانه دارد، مجوز چهار طبقه بدهیم، آیا این تراکم‌فروشی است؟ ما در شهر تهران زمین خالی زیادی نداریم که بخواهیم تراکم‌فروشی کنیم. ما در این زمینه دو پاسخ داریم. اگر در تهران واحدهای خالی وجود داشته باشد، در مناطق یک و دو است که این مناطق خیلی در برنامه هدف ما برای تأمین مسکن در قالب قرارگاه جهادی مسکن نیست؛ بلکه بیشترین مناطق هدف‌مان برای ساخت مسکن محور جنوب خیابان انقلاب است.

باوجوداین گروهی از کارشناسان شهری هشدار می‌دهند که یکی از اصول اساسی طرح جامع، سقف جمعیت‌پذیری آن است؛ یعنی طرح جامع تهران براساس سقف جمعیت‌پذیری ۹ میلیون نفر نوشته شده و در افق طرح جامع، ۱۰میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر که تقسیم‌بندی سقف جمعیت‌پذیری است، نه جمعیت؛ به این معنا که در شهر تهران ظرفیت جمعیت‌پذیری ۱۰میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر است که همیشه پنج تا ۱۰ درصد آن مانند همه شهرها خالی هستند (یعنی سقف جمعیت شهر تهران باید ۹میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر باشد) و براساس جمعیتی که محاسبه شده، همین حالا، سقف جمعیت شهر تهران پر شده است! اگر در تهران ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی هم داشته باشید؛ یعنی یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار نفر و این به آن معناست که ما از سقف جمعیت‌پذیری شهر تهران هم بالاتر رفته‌ایم. برخی از کارشناسان حوزه شهرسازی معتقدند تهران بیش از این گنجایش ندارد و مثال می‌زنند که یک ساختمان تاب تحمل ۵۰۰ کیلوگرم در هر مترمربع را دارد و اگر هزار کیلوگرم بارگذاری کنید، همان بلایی بر سر ساختمان می‌آید که بر سر متروپل آبادان آمد. سازه و ساختار ساختمان برای پنج طبقه طراحی شده بود، نه برای ۱۰ طبقه. اگر ۱۰ طبقه روی آن بارگذاری کنید، چیزی شبیه فاجعه متروپل در مقیاس شهر تهران رخ می‌دهد و شهر دچار فروپاشی می‌شود. فروپاشی شهر تبعات سنگین اجتماعی دارد. در متروپل شاید بگویید یک ستونش را بردارید، اتفاقی نمی‌افتد، ممکن است شش ماه دوام بیاورد. توزیع بارها به فونداسیون منتقل می‌شود؛ اما زمانی سازه به نقطه‌ای می‌رسد که جوش‌ها، تیر ورق‌ها و ستون‌ها دچار تنش‌های بیش از ظرفیت می‌شوند و روزی می‌رسد که ساختمان متروپل پایین می‌آید.

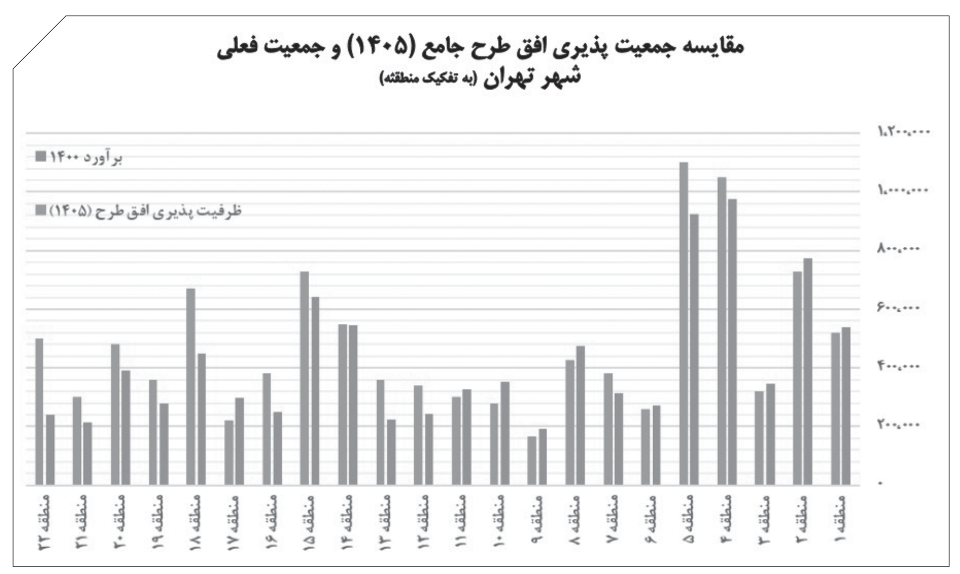

تبعات فروش تراکم

به اعتقاد کارشناسانی که مخالف سیاست‌های جدید شهرداری در حوزه ساخت‌وساز هستند، تهران هم در چنین وضعیتی است. از نظر ترافیکی خیابان‌های تهران در یک ساعتی از روز قفل می‌شوند؛ یعنی چه؟ وقتی در شهر تهران می‌بینید که بزه، بزهکاری و زورگیری افزایش پیدا می‌کند، فکر می‌کنید تبعات فروش تراکم نیست؟ حتما عوامل زیادی دارد؛ اما یکی از این عوامل هم نابسامانی در توزیع جمعیت است. این کارشناسان هشدار می‌دهند قطبی‌کردن شهر با واگذاری تراکم‌های غیرمنطقی، فروپاشی شهر است و در تعریف این فروپاشی می‌گویند: فروپاشی شهر این‌گونه نیست که شما بگویید من فردا از خواب بیدار شوم و ببینم تهران کن‌فیکون شده است. آهسته‌آهسته اخلاق جامعه، عصبانیت مردم در ترافیک، عصبانیت مردم بر اثر استنشاق کربن، عصبانیت مردم به‌خاطر نداشتن فضای باز همگانی، یعنی اینکه ساختار اجتماعی شهر منهدم شده، اینها بحث‌های کارشناسی است. وقتی در کمیسیون ماده پنج، در یک روز ۵۰ مصوبه می‌آورند و امضا می‌گیرند، به چه معناست؟ امروز فکر می‌کنند هرچه آمار کمیت بالا برود، این کار جهادی‌تر شده است.

هشدار آبی به تهرانی‌ها

یکی دیگر از چالش‌هایی که کارشناسان شهری معتقدند در صورت انبوه ساخت‌وساز تهران با آن مواجه می‌شود، تأمین منابع آبی برای جمعیت ساکن در شهر تهران است، چراکه در طرح جامع شهر تهران، تأمین منابع آب برای حداکثر ۹ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر پیش‌بینی شده، اگرچه از سوی مدیران شهری صرفه‌جویی در مصرف آب به‌عنوان یکی از راهکارهای جبران کمبود منابع آبی پایتخت پیشنهاد شده است اما تحقیقات مراکز علمی نشان می‌دهد امکان تأمین کامل منابع آبی برای جمعیت مازاد شهر وجود ندارد.

به تازگی محمد درویش، کارشناس محیط زیست گفته است که تهران ظرفیت چنین جمعیتی را ندارد و اکنون حیاتش در معرض خطر است. تهران در مخروط‌افکنی در البرز جنوبی به وسعت ۷۵ هزار هکتار واقع شده است. این مخروط‌افکن مطابق با بررسی‌های اکولوژی نهایتا می‌تواند به سه میلیون نفر از نظر آب، خاک و هوا سرویس بدهد اما ما با اجرای طرح‌های انتقال آب و سدسازی نزدیک ۱۰ میلیون نفر را ثابت و ۲۷ میلیون نفر را در قالب رفت‌وآمد روزانه در تهران جای داده‌ایم. در چنین شرایطی کمبود آب طبیعی است؛ این هشدار را از دهه ۵۰ و پیش از انقلاب، کلان‌نگران توسعه کشور داده بودند و حتی خواستار انتقال پایتخت شده بودند.

به گفته او، اکنون بحث این است که برای تأمین آب تهران علاوه بر سرشاخه‌های ماملو، لار، طالقان، سفیدرود، رود کرج، جاجرود، آمل و هراز، از سرشاخه‌های دز و کارون هم آب بیاوریم؛ درحالی‌که مطابق با تغییرات اقلیم و کاهش محسوس سطح یخچال‌ها در سرشاخه‌های کشور، به نظر می‌رسد دیگر اصلا آبی برای انتقال به تهران وجود ندارد.

درویش تأکید می‌کند: نباید دست به تأمین چنین مُسکنی برای تداوم شرایط موقت تهران زد. بهترین کار این است که پایتخت سیاسی کشور را تغییر دهیم؛ ولی می‌بینیم که همچنان در حال توسعه تهران هستند و تعداد مهاجران به تهران هم در حال افزایش است. ظرفیت زیستی تهران به پایان رسیده و نشانه‌های آن را دائما می‌بینیم. می‌توان چند سالی تاریخ وضعیت نامناسب تهران را عقب انداخت اما نمی‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد.

محمد آقامیری، رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران معتقد است: موضوع انتقال پایتخت فرایندی سیاسی و اجتماعی است، البته ممکن است به منابع آبی هم ارتباط داشته باشد اما در کوتاه‌مدت تأثیری ندارد. فرایند انتقال پایتخت نیاز به دوره‌ای ۱۰ ساله دارد. این‌گونه نیست که یک‌ساله تصمیم بگیریم پایتخت را به نقطه‌ای دیگر منتقل کنیم و جمعیتی را هم جابه‌جا کنیم. در بحث انتقال پایتخت، ساختمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها جابه‌جا می‌شود و این توانمندی هم وجود ندارد که یک‌ساله بتوان این وزارتخانه‌ها را به‌راحتی جابه‌جا کرد. فرایند انتقال سیاسی پایتخت دست‌کم در کوتاه‌مدت ربطی به مشکل کم‌آبی ندارد.

آقامیری با اشاره به اینکه در تهران مشکل منابع آبی نداریم، می‌گوید: موضوع اصلی مدیریت منابع آبی است و چالش فرونشست زمین به دلیل مدیریت منابع آبی است. اگر بتوانیم در یک دوره ۱۰ساله فرونشست تهران را کاهشی و به نوعی پیشگیری و کنترل کنیم و به زیر یک سانتی‌متر برسانیم، منابع آبی به شدت تقویت می‌شود.

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران اضافه می‌کند: فرونشست ارتباط مستقیم با تأمین منابع آبی دارد هر اندازه فرونشست کمتر شود، منابع آبی تقویت می‌شود. میلیون‌ها مترمکعب آب از سدها از طریق لوله‌کشی فاضلاب به خارج شهر می‌رود، همچنین آب چاه‌ها را استفاده می‌کنیم و به خارج شهر منتقل می‌شود؛ درحالی‌که اگر چاه‌های جذبی ایجاد و این آب‌ها به زمین بازگردد، سطح آب در زمین بالا می‌آید. لایحه فرونشست تهران توسط شورای شهر تهران تهیه شده و براساس توافق معاونت معماری و شهرسازی شهرداری آن را به شورا ارائه می‌کند.

جمعیت؛ نگرانی قدیمی تصمیم‌گیران شهری

بحث کمبود سرانه‌های استاندارد هفت‌گانه یعنی سرانه‌های مسکونی، آموزشی، تجارتی، فرهنگی- مذهبی، بهداشتی- درمانی و اداری، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در کنار جمعیت مطرح می‌شود.

احمد شریفی، کارشناس شهری، با تأیید کمبود سرانه‌های استاندارد در تهران می‌گوید: در شرایط فعلی هم ما سرانه‌های لازم را نداریم. نگرانی دیگر ما این است که در این برنامه‌ها جمعیت محدوده شهر تهران مدنظر قرار می‌گیرد، در صورتی که ما باید جمعیت مجموعه تهران را مورد توجه قرار بدهیم. جمعیتی که از شهرهای اقماری تهران و ساخته‌شده در حریم پایتخت به شهر تهران می‌آیند. شاهد اتفاقات ناگواری درخصوص جمعیت‌پذیری هستیم و وقتی این جمعیت به شهر تهران می‌آید، برای آنها و تأمین سرانه‌هایشان هم باید پیش‌بینی کنیم. شبکه معابر و سیستم حمل‌ونقل عمومی ما باید پاسخ‌گوی آنها هم باشد.

احمد مسجدجامعی هم بارها در زمانی که یکی از اعضای شورای شهر تهران بود، به این موضوع اشاره کرده و گفته بود: تعهدات جمعیتی یکی از مهم‌ترین مشکلات تهران است که سبب شده مشکلات دیگر نیز از دل آن بیرون بیاید. در طرح جامع پیش‌بینی شده بود که تهران حدود هشت میلیون نفر را در خود جای دهد و این در شرایطی است که جمعیت تهران از رشد پنج میلیونی برخوردار بوده و در چنین وضعیتی باید گفت تهران ۱۳ میلیون نفر را در خود جای داده است. در چنین وضعیتی مشکلاتی مانند آلودگی هوا، آلودگی‌های زیست‌محیطی و نگاه کالایی به انسان، مسکن و زمین پیش می‌آید. امروز تهران تبدیل به شهری شده است که کسی حاضر به ترک آن نیست و حتی افرادی هم که ادعای انتقال پایتخت را دارند، حاضر به ترک تهران نیستند؛ پس باید در گام نخست تعهدات جمعیتی و نوع اسکان در تهران را مشخص کرد.

محمد حقانی یکی از مدیران سابق شهری و عضو شورای چهارم شهر تهران هم معتقد است ظرفیت پایتخت چندسال پیش تکمیل شده و این کلان‌شهر بیش از این تحمل بارگذاری‌های جدید را ندارد، منابع طبیعی تهران محدود است و دیگر ظرفیت این میزان ساخت‌وساز و تمرکز جمعیت را ندارد. محدودیت منابع موجب شده تا امروز بسیاری از شهروندان تهرانی با مشکلاتی مانند ترافیک و آلودگی هوا دست و پنجه نرم کنند و پیروی از قانون بر مبنای استانداردهای موجود و مبتنی بر طرح جامع و طرح تفصیلی، می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات فعلی شهر تهران را حل‌وفصل کند. تشدید ساخت‌وساز درنهایت به افزایش جمعیت منجر شده و باعث محدودیت در خدمات‌رسانی به شهروندان می‌شود.

۴ ترمز جمعیت‌پذیری در تهران

برای مهار جمعیت‌پذیری تهران چه باید کرد؟ به گفته کارشناسان شهری به‌کارگیری چندین راهکار می‌تواند تا حدودی جمعیت‌پذیری شهر تهران را کنترل کند. تمرکززدایی سیاسی و اداری از شهر تهران، تثبیت جمعیت‌پذیری شهر تهران از طریق تثبیت سطح مسکونی و تراکم ساختمانی، تشویق ساخت‌وسازهای غیرمسکونی و ارتقای سطح کیفی زندگی به‌ویژه در مناطق مرکزی و حاشیه جنوبی و شرقی از طریق تخصیص اراضی بایر و ساخته‌نشده از جمله اقداماتی است که می‌توان برای دستیابی به این هدف در سطح شهر پیگیری کرد.

به گفته آنها جایگزینی منابع پایدار درآمدی برای تأمین هزینه‌های اداره شهر تهران به جای اتکا به این‌گونه درآمدها، بخش دیگری از این راهکارها می‌تواند باشد تا به‌واسطه آن بتوان وابستگی شهرداری به درآمد حاصل از صدور پروانه ساختمانی را کاهش داد و جلوی ساخت‌وساز بیشتر را گرفت.

به اعتقاد آنها ظرفیت جمعیت‌پذیری شهر تهران به جای آنکه در ۲۰ سال افزایش یابد در ۱۰ سال، از پیش اشغال شده است و مهم‌تر اینکه واحدهای مسکونی تولیدشده به جای آنکه به تقاضای زوج‌های جوان و اقشار کم‌درآمد پاسخ‌گو باشد صرف منافع بسازوبفروش‌ها و بخشی از جمعیت مهاجر به شهر تهران شده است.

جدول۱.ارزیابی فشار وارد بر محیط زیست در مناطق ۲۲گانه شهر تهران

منطقه	فشار کل محیط زیستی	
۱	۳۶۳/۰۸	زیاد تا خیلی زیاد
۲	۲۹۳/۳۵	متوسط تا زیاد
۳	۳۳۷/۶۷	زیاد تا خیلی زیاد
۴	۳۱۰/۷۹	زیاد تا خیلی زیاد
۵	۲۷۷/۹۳	متوسط تا زیاد
۶	۳۲۵/۰۵	زیاد تا خیلی زیاد
۷	۳۵۱/۶۵	زیاد تا خیلی زیاد
۸	۳۵۸/۱۷	زیاد تا خیلی زیاد
۹	۳۰۳/۲۲	زیاد تا خیلی زیاد
۱۰	۳۴۱/۲۳	زیاد تا خیلی زیاد
۱۱	۳۳۳/۸۴	زیاد تا خیلی زیاد
۱۲	۳۳۸/۱۴	زیاد تا خیلی زیاد
۱۳	۳۲۳/۵۴	زیاد تا خیلی زیاد
۱۴	۳۵۰/۲۱	زیاد تا خیلی زیاد
۱۵	۳۳۲/۵۰	زیاد تا خیلی زیاد
۱۶	۳۱۱/۳۲	زیاد تا خیلی زیاد
۱۷	۳۴۴/۱۲	زیاد تا خیلی زیاد
۱۸	۳۱۵/۶۲	زیاد تا خیلی زیاد
۱۹	۳۲۵/۵۶	زیاد تا خیلی زیاد
۲۰	۳۴۹/۳۰	زیاد تا خیلی زیاد
۲۱	۲۸۳/۶۴	متوسط تا زیاد
۲۲	۲۴۶/۲۷	متوسط تا زیاد

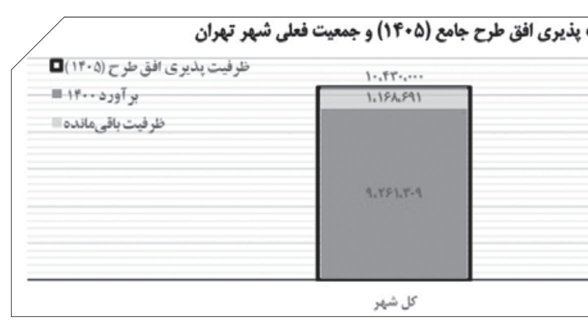

غبارروبی از یک راهکار قدیمی

پیشنهاد انتقال پایتخت سیاسی کشور برای حل چالش‌های تهران مدت‌هاست که در زمان‌های بحرانی از بایگانی بیرون کشیده می‌شود و دوباره تحقق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهدی اقراریان، رئیس کمیته نظارت شورای شهر تهران معتقد است با توجه به اینکه موضوعات زیست‌محیطی و سایر موارد تهران برای یک ظرفیت جمعیتی محدود پاسخ‌گو است، یکی از ایده‌هایی که از گذشته تا به امروز درباره تهران مطرح بوده انتقال پایتخت سیاسی از تهران به یکی دیگر از نقاط مستعد کشور است.

او می‌گوید: به نظر می‌آید تهران حتی بعد از انتقال پایتخت سیاسی کماکان پایتخت اقتصادی ایران باقی بماند؛ اما انتقال نهادهای سیاسی از تهران می‌تواند به کاهش جمعیت تهران کمک کند و تعدادی از شهروندانی که متصل به دولت یا سایر دستگاه‌ها هستند با انتقال به منطقه جدید، مجبور به کوچ از تهران می‌شوند و بخشی از جمعیت تهران کاهش می‌یابد. تهران با توجه به شرایط زیست‌محیطی و تاب‌آوری و مطرح‌بودن مسئله زمین‌لرزه و... با مشکل جدی مواجه خواهد شد اگر رشد جمعیت آن ادامه داشته باشد.

اقراریان تأکید می‌کند: چالش مهم و اساسی این است که قرار است تهران تا چه جمعیتی توسعه پیدا کند؟ یکی از این موضوعاتی که در مجلس می‌توانست مورد بررسی قرار گیرد بحث انتقال پایتخت است که با توجه به عمر کوتاهی که از دوره مجلس یازدهم باقی مانده شاید به این دوره نرسد؛ ولی انتقال پایتخت می‌تواند به عنوان یک مطالبه برای مجلس دوازدهم مطرح شود. شهروندان تهرانی حق خود می‌دانند که بتوانند یک زندگی همراه با آسایش و آرامش داشته باشند. امروز زندگی در تهران کمتر با آسایش و آرامش همراه است و شاهد تغییر جمعیت‌پذیری در برخی از مناطق تهران هستیم. تجربه تلخی درباره بسیاری از شهرهای دنیا وجود دارد که در تهران هم این تجربه وجود دارد و آن ایجاد مناطق قرمز هستند که محل شکل‌گیری باندهای فساد و توزیع مواد مخدر و مواردی از این دست است. امروز در تهران شاهد شکاف بسیار جدی بین بعضی از مناطق و محلات هستیم، حضور پررنگ اتباع در برخی از مناطق تهران و مهاجرت مردمی که در این مناطق زندگی می‌کردند مشکلاتی را ایجاد کرده است.

اقراریان ادامه می‌دهد: واقعیتی وجود دارد که نمی‌توانیم چشم‌مان را روی آن ببندیم و این است که تهران حالش خوب نیست و کسی هم برای این شرایط پایتخت برنامه‌ای ارائه نمی‌کند. شورای شهر تهران نسبت به پایتخت دارای وظایف قانونی محدودی است و شاید از دست شورا هم کاری برنیاید و حضور پررنگ سران قوا و یک تصمیم حاکمیتی درباره تهران می‌تواند نجات‌بخش تهران باشد. برداشتم این است که تهران در دهه‌های آینده به عنوان یکی از ابرچالش‌های کشور مطرح خواهد شد.

کارشناسان شهری معتقدند جمعیت در اطراف تهران نشان می‌دهد که تهران به جهت اشتغال و گردش مالی و توزیع ثروت امکاناتش نسبت به بخش‌های دیگر کشور مناسب‌تر است. اگر ما بخواهیم این جمعیت به داخل تهران نیایند در گام نخست باید برنامه‌ریزی‌های لازم درخصوص توسعه حمل‌ونقل ریلی یعنی حمل‌ونقلی سریع، آسان و کم‌هزینه انجام دهیم تا اگر فردی در ۱۰۰ کیلومتری تهران زندگی کند با سرعت بتواند خود را به تهران برساند اما برای اشتغال، زندگی خود را به تهران نیاورد.

به اعتقاد آنها برای توقف کوچ جمعیتی به تهران باید در مقیاس کشوری قطب‌های رقیب برای تهران تعریف کنیم، در این سال‌ها سرمایه‌گذاری در کشور به اندازه‌ای نبوده که این قطب رقیب ایجاد شود. به طور مثال بزرگ‌ترین حجم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت در منطقه عسلویه اتفاق افتاده که در دوره‌هایی بسیاری از متخصصان ما با میل و رغبت این منطقه را برای اسکان و اشتغال انتخاب کرده‌اند و ما باید همین مسیر را در عدم تمرکز دنبال کنیم. اگر تراکم را در سطوح مسکونی به همین شکل متمرکز بالا ببریم یعنی قصد داریم به سمت بحران بدویم و به جای آنکه مشکلات را حل کنیم به سمت مشکلات حرکت می‌کنیم.

پیروز حناچی شهردار سابق تهران در اظهارنظری قدیمی درخصوص انتقال پایتخت گفته است: تفاوتی نمی‌کند که پایتخت را چگونه و به کدام نقطه ببریم زیرا در هر نقطه‌ای که این‌گونه مدیریت کنیم بعد از مدتی دوباره با همین مشکلات مواجه می‌شویم، درخصوص انتقال پایتخت چند نظریه وجود دارد. نخست کسانی که گمان می‌کنند با انتقال پایتخت مشکلات تهران حل می‌شود در حالی که چنین نیست، مشکلات بر سر جای خود است و ما بخشی از این مشکلات را با عدم تمرکز به نقطه‌ای دیگر می‌بریم که با همین سبک مدیریت همین اتفاقات تکرار می‌شود. ژاپنی‌ها سال‌هاست که در حال بررسی انتقال پایتختشان هستند و هنوز به جمع‌بندی روشنی نرسیده‌اند.

حیدر لطفی، افشین متقی و موسی صادقی در پژوهشی با عنوان ابعاد جغرافیای سیاسی مکان‌یابی و انتقال پایتخت در ایران در سال ۹۳ در نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، موضوع انتقال پایتخت را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که از دیدگاه جغرافیای سیاسی، در انتخاب و مکان‌یابی پایتخت عواملی نظیر: قابلیت هسته‌ای مکان پایتخت، ارزش معنوی و نقش فرهنگی مکان پایتخت و ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی، گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت، ارتباط خارجی، موقعیت استراتژیک و دفاعی، مصالحه سیاسی، موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی، دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی، تغییر در رویکردها و سیاست‌های حکومت، شرایط زیست‌محیطی منطقه، مشکلات مدیریت بهینه پایتخت و مسائل امنیتی مؤثر است. در پاسخ به سؤال دوم، مهم‌ترین عوامل طرح پایتخت در ایران، تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی و قرارداشتن روی گسل زلزله شناخته شده‌اند.

در سال ۹۴ نیز پژوهش دیگری با عنوان فرصت‌ها و چالش‌های انتقال پایتخت در دومین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی منتشر شد. نویسندگان در این پژوهش تأکید داشتند: پایتخت به عنوان مهم‌ترین شهر هر کشور، نقش اساسی در اداره کشور و زندگی ملت‌ها دارد. تا سال ۲۰۰۰ کشورهای زیادی اقدام به انتقال پایتخت کرده‌اند که هرکدام دلایل خاص خود را برای انتقال پایتخت دارد. در پاکستان، قزاقستان و ترکیه دلایل دفاعی مطرح شد. در حالی که در بلیز این جابه‌جایی به دلیل بلایای طبیعی صورت گرفت. ایران کشوری است که بنا به دلایلی مانند ترافیک آلودگی هوا، زلزله‌خیزبودن و تمرکز جمعیت در شهر تهران، می‌کوشد تا پایتخت خود را انتقال دهد. این پژوهش قصد دارد ضمن بررسی چرایی انتقال پایتخت در کشورهای مختلف جهان، فرصت‌ها و چالش‌های انتقال پایتخت در ایران مورد مطالعه قرار دهد و به دنبال راه‌حلی مناسب برای برون‌رفت از مشکلات فعلی در کلان‌شهر تهران باشد. روش مقاله، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی_تحلیلی است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عواملی مختلف مانند: قابلیت هسته‌ای، نزدیک‌بودن به مرکز کشور، تنوع فرهنگی، مسائل زیست‌محیطی، عامل سنت- تاریخ، قابلیت استراتژی و دفاعی مناسب و... در مکان‌گزینی پایتخت بسیار اهمیت دارند که بر اساس تجارب بسیاری از کشورهای جهان، یکی از مؤثرترین شیوه‌های موجود، انتقال و جابه‌جایی نقش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی شهر تهران به سایر نواحی کشور باشد تا بدین وسیله از بار جمعیتی، معضل ترافیک، آلودگی هوا و سایر مشکلات شهر تهران کاسته شود.

کمتر در این سال‌ها از امکان‌پذیربودن انتقال پایتخت سخن گفته شده است. از زمانی که راهکار ساماندهی به جای انتقال پایتخت از میان گزینه‌های روی میز انتخاب شد تا به امروز هر بار که موضوع انتقال پایتخت مطرح می‌شود، به عنوان امری نشدنی با آن برخورد شده است. هزینه‌های بالای این انتقال یکی از موانعی است که مخالفان انتقال پایتخت مطرح می‌کنند. با وجود این انتقال پایتخت همیشه به عنوان یکی از راهکارهای مشکلات تهران در دستور کار بوده است.

در سال ۹۸ در پژوهشی که شبکه کانون‌های تفکر ایرانیان انجام داده، امکان‌سنجی اقتصادی انتقال مرکز سیاسی و اداری بررسی شده که نشان می‌دهد این انتقال هزینه‌ای روی دست دولت نخواهد گذاشت.

این پژوهش نشان می‌داد انتقال پایتخت امری «شدنی» است و تحقق این امر نه تنها نیازی به صرف مبالغ کلان از محل بودجه عمومی کشور ندارد و سرمایه لازم می‌تواند از محل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأمین شود، بلکه با اجرای صحیح آن علاوه بر امکان درآمدزایی برای دولت، در فضای کسب‌وکار کشور نیز رونق ایجاد می‌شود.

به اعتقاد پژوهشگران این تحقیق در ۵۰ سال گذشته، ملاحظات مالی و عدم کفایت منابع کشور، بزرگ‌ترین مانع انتقال مرکز سیاسی و اداری بوده است. از آنجا که این موضوع از چند دهه پیش مطرح بوده، نظرات موافق و مخالف بسیاری درخصوص آن مطرح شده است اما در اغلب موارد، پس از طرح مباحث مربوط به «چرایی و ضرورت»، بلافاصله سمت‌وسوی ابهامات، حول محور «امکان‌پذیری» شکل گرفته و با توجه به وجود شبهات و ابهامات مربوط به اثرات ناشناخته مالی و اجرائی؛ انتقال مرکز سیاسی و اداری امکان‌ناپذیر تلقی شده است.

نتایج بررسی‌های امکان‌سنجی مالی نشان می‌داد که انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور به منطقه‌ای با فاصله زمانی متوسط از تهران، با توجه به اهداف انتقال، پاسخ مناسب‌تری نسبت به سناریوهای فاصله دور، نزدیک و داخل تهران است؛ فاصله‌ای بین ۴۵ دقیقه تا دو ساعت از یکی از پایانه‌های مواصلاتی تهران که امکان تردد روزانه برای کارکنانی که به هر دلیل امکان تغییر مکان اقامت خود را ندارند فراهم می‌کند، نسبت به سناریوهای مرکز اداری نزدیک یا مرکز اداری دور از تهران مناسب‌تر است.

یکی از نکات مبنایی مهمی که باید به آن توجه شود و در محافل کارشناسی درباره آن سخن به میان می‌آید، آن است که انتقال پایتخت سیاسی و اداری کشور به نحوی که منجر به تحقق بخشی از اهداف تأمین امنیت مرکز سیاسی و اداری شده و تمرکززدایی از تهران را محقق کند، مطمئنا همراه با مهاجرت جمعیت زیادی از کارمندان دستگاه‌های انتقال‌یافته و خانواده‌هایشان در بازه زمانی کوتاه به شهر جدید سیاسی و اداری خواهد بود. در شرایط کنونی هیچ شهری در کشور قادر نیست این بار جمعیتی را به طور دفعی به زیرساخت‌های موجود در خود بیفزاید؛ بنابراین در این گزارش، فرض محاسبات مالی بر مبنای شهری برنامه‌ریزی‌شده تدوین شده است.

بحث‌های زیادی درباره انتقال پایتخت به یکی از شهرهای موجود در فضای کارشناسی و رسانه‌ای کشور مطرح می‌شود اما حتی در صورت انتقال پایتخت سیاسی و اداری کشور به شهر موجود نیز با وجود هزینه بیشتر تملک اراضی به‌منظور توسعه شهری، بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های لازم باید در حاشیه آن ایجاد شده و بر بافت قدیمی اضافه شود تا بتوان این حجم از جمعیت را در شهر موجود اسکان داد.

همچنین انتقال این حجم از جمعیت به یکی از شهرهای موجود در مدت کوتاهی، شهر مقصد را شبیه تهران خواهد کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که هزینه تملک اراضی خصوصی وجود نداشته باشد، در مدل اقتصادی و برآورد هزینه‌های زیرساختی تفاوت چندانی میان انتقال به حاشیه یک شهر موجود یا انتقال به یک شهر برنامه‌ریزی‌شده وجود ندارد.

هرچند در واقعیت، انتقال مرکز سیاسی و اداری به شهر موجود یا حاشیه آن، هزینه زیادی در ادامه انتقال در پی خواهد داشت و مسائل کلان‌شهر تهران به آن منتقل خواهد شد، چون زیرساخت اساسی از اول تعبیه نشده است.

محاسبات اولیه تیم تدوین این گزارش، نشان می‌داد که با انتقال مراکز سیاسی و اداری کشور، بیش از ۶۰ هزار شغل در دستگاه‌های حاکمیتی که به امور ستادی در سطح ملی مشغول‌اند کاندیدای انتقال خواهند بود که با احتساب بُعد خانوار و مشاغل خدماتی و... جمعیت تقریبی مرکز سیاسی و اداری جدید قریب به یک میلیون نفر خواهد بود؛ بنابراین تدوین این پژوهش با فرض انتقال به «شهر برنامه‌ریزی‌شده» و اجتناب از انتقال جمعیت به بافت شهری موجود صورت گرفته است تا ضمن تأکید بر اشتباه‌بودن انتقال جمعیتی به بزرگی ذکرشده به شهری با زیرساخت‌های از قبل موجود، به کران حداکثری در محاسبات هزینه‌ای نیز دست پیدا کرده باشد.

پایتخت سیاسی و اداری جدید، هرچه به تهران نزدیک‌تر باشد، امکان تردد و مسافرت روزانه از تهران به آن بیشتر از زمانی است که بُعد مسافت تا تهران باعث شود زمان رفت‌وآمد روزانه برای عموم کارکنان اداری ساکن تهران، تا آستانه غیرمنطقی‌شدن زیاد شود و اسکان در شهر جدید گزینه‌ای منطقی‌تر به نظر آید.

معیارهای اثرگذار بر تعداد شهروندان ساکن در پایتخت سیاسی و اداری جدید کشور، به دو فاز مستقل، قابل تقسیم‌بندی است؛ یکی از فازها، شمول یا عدم شمول دستگاه‌های مختلف حاکمیتی است که می‌توان درباره آن، سناریوهای مختلفی را تدوین کرد.

سه سناریوی مختلف از دستگاه‌ها و نهادهای کاندیدای انتقال در نظر گرفته شد. در سناریوی کمینه، صرفا دستگاه‌های دولتی و در سناریوی بیشینه دولت، قوای مقننه و قضائیه، ستاد اصلی نیروهای مسلح و نهادهای حاکمیتی ذیل بیت رهبری به شمار آمده و تعداد تقریبی کارکنان ستادی هرکدام از آنها با توجه به برخی استانداردها محاسبه شد. فاز دومی که در تعداد شهروندان اسکان‌یافته در پایتخت سیاسی و اداری جدید اثرگذار است، فاصله شهر مذکور تا تهران است.

در حالتی که فاصله شهر جدید تا تهران، امکان تردد روزانه را امکان‌پذیر کند، همواره درصد قابل‌توجهی از جمعیت اداری شهر، محل سکونت خود را از تهران منتقل نخواهند کرد و در سوی مقابل، اگر فاصله زمانی تردد از تهران تا شهر جدید به صورت عرفی زیاد باشد، برای اغلب کارکنان اداری مشمول انتقال، تغییر محل سکونت امری معقول‌تر خواهد بود. در فاز دوم نیز سه سناریو بر اساس زمان لازم برای تردد روزانه میان تهران تا پایتخت سیاسی و اداری جدید در نظر گرفته شد.

منظور از انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور، جابه‌جایی تمامی قوا، نهادهای تصمیم‌گیر، مراکز فرماندهی نیروهای نظامی و انتظامی، ستادهای مرکزی تمامی دستگاه‌های کشوری و لشکری و همه بخش‌های مربوط به شهر جدید است که از محل بودجه عمومی کشور به صورت کلی یا جزئی ارتزاق می‌کنند و باقی‌ماندن آنها در تهران ضرورتی از جنس ارتباط مستقیم و ارائه خدمات به مردم تهران ندارد؛ برای مثال، جابه‌جایی دولت به معنای لزوم جابه‌جایی تمامی معلمان مدارس دولتی تهران نیست؛ زیرا معلمان مانند بسیاری دیگر از صاحبان مشاغل از جمله پزشکان، پلیس‌ها، متولیان اداره امور آب‌وفاضلاب، گاز و برق، دادگاه‌ها و دادسراها، شوراهای حل اختلاف و... در هر شهری به ارائه خدمت مستقیم به مردم همان شهر مشغول هستند اما در مثال فوق، وزیر آموزش‌وپرورش و معاونان او مانند آن معلم مدرسه دولتی نبوده و تفاوتی نمی‌کند در کدام شهر مشغول انجام وظایف خود باشند.

یکی دیگر از معیارهای مستقلی که بر هزینه‌های انتقال مرکز سیاسی و اداری از تهران مؤثر است، میزان فاصله شهر جدید از تهران است که مشابه معیار گزینش نهادی، سایر برآوردهای بعدی را در یک طیف کمینه و بیشینه قرار می‌دهد، شهر جدیدی که از آن به عنوان مرکز سیاسی و اداری جدید کشور یاد شود، هرچه به تهران نزدیک‌تر باشد، به دلیل سهولت رفت‌وآمد، جمعیت کمتری برای اسکان در آن شهر اقدام کرده و همچنین اغلب خدمات خود را نیز از تهران دریافت خواهد کرد اما با دورترشدن مرکز سیاسی و اداری از تهران، تغییر محل اسکان و رفت‌وآمد روزانه به محل کار دشوارتر می‌شود و بر جمعیت شهری ساکن در شهر جدید افزوده می‌شود. همچنین برای تأمین خدمات شهری مورد نیاز ساکنان، نیاز به تعریف مشاغل خدماتی جدیدی خواهد بود که مجددا بر جمعیت ساکن شهری خواهد افزود.

با انتقال مراکز سیاسی و اداری کشور، بیش از ۶۰ هزار شغل در دستگاه‌های حاکمیتی که به امور ستادی در سطح ملی مشغول‌اند کاندیدای انتقال خواهند بود که با احتساب بُعد خانوار و مشاغل خدماتی و... جمعیت تقریبی مرکز سیاسی و اداری جدید نزدیک به یک میلیون نفر خواهد بود.

این سه سناریو به ترتیب عبارت‌اند از «بافت شهری جدید نزدیک یا چسبیده به تهران»، «ساخت شهری برنامه‌ریزی‌شده با فاصله متوسط از تهران» و «ساخت شهری برنامه‌ریزی‌شده در فاصله دور از تهران». ملاک تقسیم‌بندی فواصل در این گزارش به جای واحدهای رایج اندازه‌گیری مسافت؛ بار روانی عام ادراک‌شده توسط اغلب ساکنان تهران از زمان لازم برای جابه‌جایی در هرکدام از سناریوهای یادشده است، زیرا در تهران، آنچه بیش از متراژ ظاهری مسافت مهم است، مدت‌زمانی است که به‌طور عرفی می‌توان آن را طی کرد.

از آنجا که فاصله از تهران به عنوان یک عامل روانی می‌تواند تعداد کارکنان اداری ساکن در شهر جدید و تعداد رفت‌وآمدکنندگان را تعیین کند، به عنوان یک عامل مستقل در نظر گرفته شده است؛ برای مثال در یک سایت اداری چسبیده به تهران، پس از طی مدت‌زمان لازم برای اتمام فرایند انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور مثلا تا ۲۰ سال آینده، بار دیگر مشاهده می‌شود که اکثر جمعیت کارمندان اداری آن در تهران ساکن خواهند بود. این وضعیت درباره سناریوی متوسط پس از گذشت زمان مذکور نیز با اختلاف بیشتری وجود دارد و مسلما همواره بخشی از کارمندان به دلیل مشکلات یا عادت به زندگی در تهران، تردد روزانه به محل کار خود در شهر جدید را ترجیح خواهند داد. فقط در صورتی تمامی کارمندان اداری دستگاه‌های کاندیدای انتقال، مکان زندگی خود را تغییر خواهند داد که تردد روزانه به‌هیچ‌وجه منطقی نباشد. سناریوی دور تقریبا چنین حالتی دارد.